محاکمه قاتل جنجالی به اتهام قتل و محاربه

رئیس‌کل دادگستری گلستان از صدور کیفرخواست پرونده ضارب جنجالی چهارراه میدان گرگان خبر داد. به گزارش خبرنگار حوادث جام‌جم آنلاین؛ حیدر آسیابی در این باره گفت: این ضارب ۱۲ مرداد امسال در خیابان چهارراه میدان شهر گرگان ۱۰ نفر را در مدت چند ثانیه با تبر و کاتر مجروح کرد که یک نفر از مصدومان که پسر جوانی بود به قتل رسید. ضارب با حضور پلیس در صحنه دستگیر و روانه زندان شد. رسیدگی به پرونده این حادثه تلخ، به‌صورت ویژه در دادسرای گرگان آغاز شد. وی افزود: پس از تکمیل تحقیقات و اعلام نظر پزشکی قانونی مبنی بر سلامت روانی متهم، قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست این فرد به اتهام قتل صادر شد. پس از صدور کیفرخواست، پرونده متهم برای رسیدگی به اتهام محاربه به دادگاه انقلاب گرگان و اتهام قتل به کیفری یک استان گلستان ارسال شد. این در حالی است که انتشار تصاویر حادثه چهارراه میدان گرگان در فضای مجازی احساسات عمومی را جریحه‌دار کرده بود.

گفت‌وگو با پسر دهه هشتادی که برای شادی روح مادرش با سهم الارث خود یک مادر را از زندان آزاد کرد

اهدای آزادی در روز تولد مادر

لیلا حسین‌زاده
حوادث

زن از پشت میله‌های خاکستری و غمبار زندان به دوردست‌ها خیره شده بود. به خواب هم نمی‌دید روزی به دلیل بدهی، اسیر چاردیواری نفرت‌انگیز زندان شود. حالا او مانده بود و بدهی‌ای که نمی‌دانست چطور پرداخت کند تا دوباره نزد خانواده‌اش برگردد. درست در روزهایی که تصور می‌کرد نه راه پس دارد و نه راه پیش و خدا او را فراموش و به حال خودش رها کرده، ناگهان ورق برگشت و مسوولان زندان خبر پرداخت بدهی و آزادی‌اش را به او دادند. زن انگار خواب می‌دید و باورش نمی‌شد آزاد شده باشد، اما خواب نبود و حقیقت داشت. کسی که زنجیر محکم و قطور بدهی را از پای او باز کرده بود، پسر ۱۳ساله یزدی به نام محمدمهیار یزدیان بود که کل دارایی‌اش را به این زندانی جرایم غیرعمد بخشید تا آزاد شود.

۲۰ میلیون تومانی که برای آزاد کردن آن زندانی خانم بخشیدی، پول خیلی زیادی است. می‌توانستی با آن یک کنسول بازی گرانقیمت یا دوچرخه عالی بخری و حسابی لذت ببری. چطور دلت آمد از این پول بگذری؟

مادر من فوت شده و این ۲۰ میلیون تومان، سهم‌الارث من از مادرم است. پدرم به من گفت تصمیم‌گیری در مورد نحوه مصرف آن به عهده خودم است. من هم با خودم فکر کردم و به پدرم گفتم به این پول نیازی ندارم و دلم می‌خواهد از آن برای انجام کار خیر استفاده کنم.

انگار بخشی از این پول، پول هفتگی‌ات بود. درست است؟

بله همین‌طور است.

آزاد کردن زندانی فکر و ایده خودت بود؟

موضوع را با پدرم در میان گذاشتم و او پیشنهاد کرد که با این پول می‌توانم یک زندانی را آزاد کنیم. من هم دیدم پیشنهاد خیلی خوبی است، آن را قبول کردم.

چرا یک زندانی مادر را آزاد کردی؟

به خاطر مادرم و روز تولدش این کار را کردم. دوست داشتم یک مادر باشد تا او هم برگردد پیش بچه‌هایش.

چرا روز تولد مادرت را برای آزادی آن خانم انتخاب کردی؟

خب چون جایش خالی است و دلم می‌خواست آن خانم روز تولد مادرم نزد خانواده و بچه‌هایش برگردد تا روح مادرم نیز در آن دنیا شاد شود.

مگر مهم است یک مادر کنار بچه‌هایش باشد؟

بله. اگر مادر باشد به بچه‌هایش کمک می‌کند و در زندگی‌شان موفق می‌شوند.

تولد مادرت چه روزی است؟

۳۱ شهریور.

او را خیلی دوست داشتی؟

خیلی.

از خصوصیات اخلاقی‌اش چه چیزهایی یادت مانده؟

مادرم خیلی مهربان بود و همیشه در خواندن درس‌هایم کمکم می‌کرد. همیشه نماز و قرآن می‌خواند و در مورد انجام کارهای خوب با من صحبت می‌کرد. خیلی وقت‌ها که با او بودم، می‌دیدم که کارهای خوب انجام می‌دهد.

الان خیلی خوشحالی که آن مادر زندانی آزاد شده و به خانه و نزد بچه‌هایش برگشته؟

بله خیلی.

آن خانم زندانی را می‌شناسی؟

نه. حتی او را هم ندیده‌ام.

دوست داری در آینده چه کاره شوی؟

جراح مغز و اعصاب.

مصاحبه‌مان تمام شد محمدمهیار. اگر حرف دیگری داری بگو.

اگر کسی توان مالی دارد و می‌تواند، به این نوع زندانی‌ها کمک کند تا دوباره نزد خانواده‌های‌شان برگردند و خوشحال زندگی‌کنند.

به پسرم افتخار می‌کنم

پدر محمدمهیار به وجود پسرش و تصمیمی که گرفته است، افتخار می‌کند. این را می‌شود از لحن و صدایش به خوبی حس کرد. او در مورد تصمیم پسرش به جام‌جم می‌گوید:« همسرم سال ۹۷ و به دلیل ابتلا به یک بیماری نادر به رحمت خدا رفت. آن زمان که همسرم بیمار شد، محمدمهیار کلاس دوم دبستان بود و یک سال بعد مادرش از دنیا رفت. پس از فوت او، تمام تلاشم را کردم تا کنارش باشم و او را تنها نگذارم. از همسرم به پسرم ۲۰ میلیون تومان سهم‌الارث می‌رسید که موضوع را به محمدمهیار گفتم. مدتی بعد پسرم به من گفت می‌خواهد با این پول، یک زندانی را آزاد کند. ارائه این پیشنهاد از سوی پسرم بسیار خوشحالم کرد که می‌خواهد لذت کمک به دیگران را بچشد. به عنوان یک پدر، احساس غرور کردم و این موضوع مرا امیدوار کرد که پسرم در آینده نیز همین مسیر روشن را ادامه خواهد داد.»

او در مورد تصویر زیبایی که محمدمهیار از مادرش در ذهن دارد، ادامه می‌دهد:« مادر محمدمهیار زن بسیار متدینی بود و به معنویات اهمیت زیادی می‌داد. او تا زمانی که در قید حیات بود، در حد توانایی خود، چه مادی و معنوی به دیگران کمک می‌کرد و خدا را شکر حالا پسرم، راه مادرش را ادامه می‌دهد.»

> پس از علی لندی و فداکاری‌اش برای نجات دو زن، این‌بار پسر دهه هشتادی دیگری با ازخودگذشتگی یک زندانی آزاد کرد

محاکمه نخبه شیمی به اتهام قتل با محلول شیمیایی

نخبه دانشگاهی که متهم است دوستش را با محلول شیمیایی کشته در دادگاه منکر قتل عمدی شد. او مدعی شد، دوستش به اشتباه محلول شیمیایی ساخت او را خورده بود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از سال گذشته با گزارش فوت مشکوک مردجوانی در بیمارستانی در تهران آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد، پسر جوان در خانه دوستش به نام سامان بدحال و توسط امدادگران اورژانس به بیمارستان منتقل شده و در آنجا فوت کرده بود. با آزمایش‌های تخصصی مشخص شد، پسر جوان به دلیل مسمومیت با یک ماده شیمیایی فوت کرده است.

ماموران به تحقیق از پسر صاحبخانه که از نخبه‌های دانشگاهی است پرداختند که او اظهار کرد: من و دوستم که فوت شد، در مدرسه تیزهوشان درس می‌خواندیم و هر دو در دانشگاه شریف قبول شدیم. بعد از لیسانس در دو دانشگاه جداگانه مشغول به تحصیل شده و کمتر همدیگر را می‌دیدیم. چندی قبل متوجه شدم او از دانشگاهی در آمریکا بورسیه گرفته و قرار است به آنجا برود. با او تماس گرفتم و وقتی فهمید عقد کرده‌ام و به او خبر نداده‌ام از من دلخور شد. من هم برای این‌که به این دلخوری پایان دهم او را به خانه دعوت کردم. من به دلیل این‌که شیمی خوانده بودم، ترکیبی از کلروفوم درست کرده و مصرف می‌کردم. آن را داخل آبمیوه ریخته و در یخچال گذاشته بودم که دوستم اشتباهی آن را خورد و مسموم شد.

با تکمیل تحقیقات در دادسرا برای سامان به اتهام قتل کیفرخواست صادر شد و پرونده‌اش به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

متهم در شعبه۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه رفت و ابتدای این جلسه وکیل اولیای‌دم برای او درخواست قصاص کرد و گفت: متهم به دلیل حسادت، دوستش را با محلول شیمیایی به‌عمد کشته است.

سپس سامان در جایگاه قرار گرفت و گفت: از دوران دبیرستان به آزمایشگاه علاقه داشته و محلول‌های شیمیایی را با هم ترکیب می‌کردم و با همین ترکیب‌ها به این محلول اعتیادآور دست پیدا کرده و آن را در خانه تهیه و با آبمیوه می‌خوردم. روز حادثه هم این محلول را درست کرده و در یخچال گذاشته بودم که دوستم آن را خورد. خواستم او را به بیمارستان برسانم اما کار از کار گذشته بود.

متهم در آخرین دفاعش گفت: وقتی دوستم سر یخچال رفت متوجه نشدم. اگر متوجه می‌شدم، اجازه نمی‌دادم آن محلول را بخورد. ما رابطه خوبی با هم داشتیم و هیچ خصومتی بین ما نبود. پس از دفاعیات متهم، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

قتل چوپان ایرانی در ترکیه

خانواده چوپان جوان ایرانی که با انگیزه‌ای نامعلوم با شلیک گلوله در ترکیه به قتل رسیده، با حضور در دادسرای جنایی پایتخت خواستار استرداد قاتل به ایران و محاکمه او شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دو روز پیش مرد جوانی همراه پدرش به شعبه یازدهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران آمد و با طرح شکایتی گفت: برادر ۲۳ ساله‌ام به نام رضا مهر سال گذشته از سوی یک تبعه ترکیه به قتل رسیده و قاتل در زندان آنجاست و اکنون خواستار محاکمه و استرداد او به ایران هستیم.

برادر مقتول ادامه داد: من و خانواده‌ام ساکن ماکو در استان آذربایجان غربی هستیم. سال‌ها قبل پدرم و اقوامم که در کار چوپانی هستند برای کار به ییلاق روستاهای ترکیه می‌رفتند. برادرم هم چند بار برای چوپانی به ترکیه سفر کرد. اسفند ۹۸ ایران را به مقصد ترکیه ترک کرد. او نزد دامداری در روستای شاو شات در جاده منتهی به استان اردهان ترکیه رفت و در آنجا کار می‌کرد. او در آنجا با تبعه‌های افغان، ایرانی و ترکیه‌ای همکار بود و رابطه خوبی با آنها داشت.

وی افزود: ششم مهر سال گذشته چوپان افغانی که دوست برادرم بود تلفنی به ما اطلاع داد هنگام عصرصدای تیراندازی در دو کیلومتری محل کارشان در دامداری را شنیده، موضوع را پیگیری کرده و فهمیده برادرم از ناحیه سر هدف شلیک گلوله قرار گرفته و به بیمارستان منتقل شده است. به دلیل شیوع کرونا و بسته‌بودن مرز ایران و ترکیه نتوانستیم به آنجا سفر کنیم. یکی از اقوام‌مان در ازمیر پیگیر ماجرا شد و فهمید برادرم فوت شده و مقدمات انتقال جسد او را برای خاکسپاری به ایران فراهم کرد. از دوست افغان برادرم تلفنی پرس و جو کردم که فهمیدم یکی از چوپان‌های ترکیه‌ای برادرم را با کلت کشته و بعد از دستگیری وی را به پلیس ترکیه تحویل دادند. متهم در زندان ترکیه بوده و خواستار استرداد او برای محاکمه در ایران هستیم.

مصطفی واحدی، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با توجه به شکایت این خانواده، قرار شد از طریق اداره امور بین‌الملل قوه قضاییه مکاتباتی با مسوولان قضایی ترکیه انجام گیرد تا مشخص شود پرونده قتل مرد ایرانی در چه مرحله‌ای است و مستندات آن به ایران تحویل شود.

۵۵ روز بی‌خبری از ۳ نوجوان ربوده‌شده در داراب

با گذشت ۵۵ روز از ربوده شدن سه نوجوان در یکی از روستاهای داراب، هنوز هیچ ردی از آدم‌ربا و همدستانش وجود ندارد.

به گزارش جامعه ۲۴، عصر روز دوازدهم مردادماه بود که اهالی یکی از روستاهای داراب به پلیس مراجعه و از ناپدید شدن سه نوجوان اهل روستا خبر دادند. خانواده یکی از کودکان در شکایتش به پلیس گفت: «ظهر امروز پسرم به همراه دو برادر دوقلوی همسایه در کوچه مشغول بازی بودند، ساعتی بعد وقتی برای صدا کردن او به کوچه رفتم، متوجه شدم پسرم در کوچه نیست. به خانه همسایه رفتم و او هم مدعی شد دو پسرش به خانه بازنگشته‌اند.»

بعد از این شکایت و اطلاع اهالی روستا از حادثه، تمامی آنها روستا و بیابان‌های اطراف و حتی روستاهای دیگر را جست‌وجو کردند، اما ردی از سه پسر نوجوان نبود. با اعلام این شکایت و با توجه به حساسیت موضوع، تیم ویژه‌ای از پلیس آگاهی استان فارس به محل حادثه رفته

و تحقیقات خود را برای پیدا کردن ردی از کودکان آغاز کردند. تحقیقات جنایی نشان می‌داد گم‌شدگان دو برادر دوقلوی ۱۲ ساله و یک پسر ۱۵ساله هستند. پنج روز از مفقود شدن سه پسر گذشته بود که فردی با خانواده دوقلوها تماس گرفت و گفت به خاطر اختلافات مالی، آنها را ربوده است و با دریافت پول گروگان‌ها را آزاد می‌کند. با گذشت ۵۵ روز هنوز هیچ ردی از نوجوانان و آدم‌ربایان به دست نیامده است.

کشف جسد مرد ناشناس در کانال فاضلاب پارک ارم

جسد مرد ناشناسی در کانال فاضلاب پارک ارم تهران پیدا شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۹ شنبه سوم مهر امسال، یکی از ماموران کلانتری شهرزیبا در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران از مرگ مشکوک مردی حدود ۴۰ ساله در کانال فاضلاب پارک ارم خبر داد. بازپرس جنایی و تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا به آنجا اعزام شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد، حدود یک ماه از مرگ وی گذشته است. این مرد مدارک هویتی همراه نداشت و جسدش برای مشخص شدن علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. ماموران از افراد حاضر در محل که کارکنان و مسوولان پارک ارم بودند، تحقیق کردند که معلوم شد کسی مرد فوت‌شده را نمی‌شناسد و از کارکنان آنجا نبوده و نمی‌دانند چطور در این کانال فاضلاب افتاده و فوت شده است.

بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران در این باره به جام‌جم گفت: پرونده‌ای در پلیس آگاهی درباره مرگ مشکوک این مرد تشکیل شده است. قرار شد که ماموران پرونده‌های افراد گمشده در مراکز پلیس را بررسی کنند تا شاید ردی از هویت فرد فوت‌شده به دست آید.

تلنگر

دردسر ازدواج پزشک جراح با خانم پرستار

دختران پزشک مغز و اعصاب بعد از اطلاع از ازدواج پدرشان، نقشه سرقت از خانه او را اجرا کردند. دو دخترمیانسال، وقتی متوجه ازدواج پدرشان شدند برای سرقت اسناد و مدارک او دو سارق قوی‌هیکل اجیر کردند. با شکایت پیرمرد که پزشک مغز و اعصاب است، تحقیقات برای دستگیری دزدان آغاز شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل مهر امسال وکیلی همراه مرد سالخورده‌ای نزد بازپرس کشیک دادسرای سرقت ناحیه۳۴ تهران رفت و از دو دختر خانواده و دو سارق ورزشکار شکایت کردند. پس از این شکایت، پرونده به پلیس آگاهی تهران ارسال شد و شاکی در تحقیقات گفت: جراح مغز و اعصاب هستم. یک‌سال قبل همسرم فوت شد و در خانه ویلایی‌ام در شمال تهران تنها زندگی می‌کردم. دخترانم هم ازدواج کرده‌اند. بعد از مدتی تصمیم گرفتم ازدواج کنم که بچه‌هایم بنای ناسازگاری گذاشته و می‌گفتند در صورتی موافقت می‌کنند که اموالم را به نام آنها کنم که قبول نکردم و مخفیانه و بدون اطلاع بچه‌هایم با یکی از پرستاران بیمارستان ازدواج کرده و زندگی مشترکمان شروع شد. دخترانم با اطلاع از این ماجرا با من درگیر شده و تهدیدم کردند که باید زنم را طلاق دهم و در غیر این صورت بلایی سرم می‌آورند. به خاطر آنها نمی‌توانستم زندگی یک نفر دیگر را خراب کنم. به زندگی با او ادامه دادم تا سرانجام دخترانم تهدیدهایشان را اجرایی کردند. شاکی ادامه داد: روز حادثه قصد رفتن به محل کارم را داشتم که دخترانم، سراغم آمدند. پشت سر آنها هم دو مرد قوی‌هیکل وارد خانه شدند. با دستور دخترانم مرا کتک زدند، دست‌وپایم را بسته و در یکی از اتاق‌ها زندانی کردند. بعد به زور کلید گاوصندوق را از من گرفتند و هرچه اسناد و مدارک در گاوصندوق بود را سرقت کردند. همسرم با حضور در خانه متوجه ماجرا شد و مرا نجات داد. با شکایت این پزشک، معلوم شد ماجرا صحت دارد و دوربین‌های مداربسته ساختمان تصاویر سارقان و دو دختر شاکی را ثبت کرده است. تحقیقات برای دستگیری دو مرد سارق در حالی ادامه دارد که دستور احضار دو دختر شاکی پرونده نیز صادر شده است.

ابعاد جدید کودک‌آزاری در اهر

دادستان عمومی و انقلاب اهر اعلام کرد اتهام کودک‌آزاری معلم اهری در شعبه ویژه بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان در حال بررسی است.

رحیم عبدالهی به ایرنا گفت: در پی گزارش مرجع انتظامی و شکایت دو نفر از والدین دانش‌آموزان در یکی از روستاهای بخش مرکزی اهر مبنی بر کودک‌آزاری فرزندان‌شان توسط معلم روستا در سال گذشته، موضوع به‌صورت ویژه در شعبه بازپرسی دادسرا مطرح و تحت رسیدگی قضایی قرار گرفت.

شهادت دو نفر در آتش‌سوزی انبار مرکز تحقیقات خودکفایی سپاه

دو نفر از کارکنان یکی از مراکز خودکفایی سپاه در آتش‌سوزی این مرکز به شهادت رسیدند.

روابط‌عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای آورده است در پی آتش‌سوزی عصر یکشنبه در انبار یکی از مراکز تحقیقات خودکفایی سپاه در غرب تهران و مجروح شدن تعدادی از کارکنان این مرکز، دو نفر از کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نام‌های سیدمرتضی کریمی و حسین عابدی به‌علت شدت جراحات شهید شدند.

تاب‌بازی با مرگ

کودک ۹ ساله‌ای هنگام تاب‌بازی در خانه‌شان تعادلش را از دست داد و با گیر کردن طناب به دور گردنش، خفه شد.

سرهنگ علیرضا دلیری، فرمانده انتظامی شهرستان کرمانشاه به ایسنا گفت: پس از اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر یک مورد حادثه منجر به فوت در شهرک دولت‌آباد کرمانشاه، ماموران کلانتری ۲۵ دولت‌آباد به محل اعزام شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد کودک ۹ ساله‌ای به نام معراج زمانی که تنها بوده سوار تاب می‌شود که هنگام بازی تعادل خود را از دست داده و طناب به دور گردنش گیر می‌کند. پس از این حادثه، کودک در اثر فشار ناشی از وزن بدنش و سقوط از بالای تاب فوت کرد.